



گزارش  
همایش بزرگداشت از کارکرد ها و شخصیت علمی، ادبی و  
فرهنگی کشور کانیدای اکادمسین، داکتر اسد الله حبیب  
در آلمان



یک سوی تالار را آینه جای دیوار پوشیده بود. اگر به آن به چشم یک سمبول نگاه کنیم، میتوان گفت، در آن شب، تاریکی و تنگ نظری جا برای روشنی و فراخ نگری خالی کرده بود. این "آینه خانه" انسان را در وابسته گی با انگاره یی که زیر آن دانشوران، سخنوران، خامه - پردازان، پژوهشگران، ژورنالیستان، هنرمندان، فرهنگیان و فرهنگ دوستان در آن جا حضور به هم میرساندند، بی اختیار به شهر آینه، بیدل و حبیب میبرد.

ز نقش پای تو کابینه دار آینه است  
بساط روی زمین را بهار آینه است  
بیدل

"آینه دار" آن شب در صدد تجلی در خور شخصیت و علمیت خامه پرداز، سخنور، پژوهشگر، ترجمان، بیدل شناس سرشناس، استاد سترگ و بی بدیل که محبوبیت ادبی، علمی و فرهنگی او مرزها پشت سر گذاشته است، [کاندیدای اکادمین داکتر اسدالله حبیب](#) بودند.

به هر جا نظر میانداختی، چهره های حاکی از عشق را میدیدی؛ عاشق افغانستان، عاشق ادب، عاشق سخن، عاشق قلم، عاشق هنر و عاشق عشق. به یکبار میپنداشتی، گیتی پر است از انسان هایی از این دست. گیتی همین است. زندگی چنین است.

شام بهارینه یی بود، 21 اپریل سال 2007: موسم سبزیها و شگفتنها و امید بر دل بستنها.

در یکی از تالار های زیبای شهر هامبورگ اردتمندان، دوستان و شاگردان [داکتر اسدالله حبیب](#) همایش با شکوه را به پاس تجلیل از شخصیت، کارکرد ها و عرق سایبهای استاد در راه دست یافتن به افتخارات سترگ برای ملت و فرهنگ پر بار افغانستان برپا داشته بودند.

جمعی سنگین و متینی گرد هم آمده بودند. شمار آنها نزدیک به سه صد تن میرسید. عطر تن فضای آن شب تا دیر ها بر بستر یاد ها خواهد ماند؛ عطر دل انگیز دیدار همدلان و صاحب نظران که حتا از سرزمین های دور دست زحمت سفر را بر خویش هموار کرده بودند به پاس ادای احترام به استاد بزرگ.



همایش در چهار بخش تنظیم گشته بود:  
بخش صحبتها و سخنرانیها پیرامون زندگی و کارکرد های داکتر اسدالله حبیب؛  
بخش بر خوانی پیامها عنوانی داکتر اسدالله حبیب؛  
بخش دکلمه اشعار داکتر اسدالله حبیب؛  
و بخش پرداخت به موسیقی.

ساعت های هشت شام، که دگر سالون پر گشته بود، همایش با گردانندگی خانم ماریا اختری گوینده موفق آغاز گشت.

### صحبت پیرامون زندگی و آفرینشها و پژوهشهای کاندیدای اکادمسین داکتر اسدالله حبیب

نخست، داکتر حمیدالله مفید، مدیر مسئول مجله کلمه، طنز نویس و مولانا پرداز رشته سخن را به دست گرفت و صحبت روشنی انداز و مفصلی را پیرامون زندگی و کارکرد های داکتر اسدالله حبیب در همواری کشور و جهان ارایه نمود که با بیوگرافی تصویری استاد به ابتکار داکتر اسد بدیع همراهی میشود.

داکتر حمید الله مفید در وابسته گی با اشتراک استاد در کنفرانس های جهانی چنین گفت:

« در سال 1982 در نشست چهارمین مجمع جهانی نویسندگان در شهر صوفیه سهم گرفتند ، که در همین کنفرانس با نویسنده نامور ترکیه طنز نویس طنز فقید عزیز نسین آشنایی حاصل کردند .  
در سال 1977 در سمپوزیوم جهانی سالگرد علامه سید جمال الدین افغانی برگزار شده در کابل سهم چشمگیر و برازنده داشتند .  
در سال 1986 در کار کنگرس روشنفکران و صلح جهانی در وارسا پایتخت کشور پولند سهم درخشان گرفتند .

در سال 1987 به نمایندگی از دانشمندان افغان در کار کنفرانس علمی میراث آسیایی هند در شهر دهلی کشور هندوستان درخشیدند .»

و پس از باشندهی استاد در آلمان، اشتراک و یاری وی در کنفرانس های گوناگون ادبی و علمی، چنین بر شماری شد:

« هموندی در همایش فرهنگیان ایران ( زبان فارسی دری) در اروپا  
سهمگیری در نشست های خانه فرهنگی نیما در برلین و شناسایی آثار و اندیشه مولانا عبد القادر بیدل  
دهلوی و در 1999 در نشست شناسایی فرهنگ و کلتور افغانستان در قرن 20 در همایش دومی آن.  
سهم ارزنده و گویا در سمینار فرهنگی ادبیات دری در افغانستان برگزار شده در شهر همسفرت  
کشور هالند در سال 2000.  
سهمگیری فعال و برارنده در کار عرس بیدل که به ابتکار جامعهء افغانان مقیم لندن بتاریخ  
20.04.2002 راه اندازی شده بود .  
سهمگیری درخشان در کار عرس بیدل که از جانب فرهنگیان افغان در هالند بتاریخ 18.05.2002  
راه اندازی شده بود .  
رهنمایی و سهمگیری فعالانه در کار عرس بیدل که از جانب شورای زنان افغان در آلمان در نوامبر  
سال 2002 برگزار شده بود .  
سهم فعالانه ، رهنمایی و تهیه مواد آموزشی تشریح و توضیح شعر های بیدل برای استادان و  
شاگردان دیپارتمنت فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه وینیز ایتالیا و دوبار مسافرت به همین منظور به  
دعوت رئیس بخش ، پروفیسور زیولی به کشور ایتالیا .  
سهم ارزنده و درخشان در عرس مولانا که از جانب همایش فرهنگی افغانان مقیم اطریش در شهر وین  
بتاریخ 03.04.03 راه اندازی شده بود .  
کمک به سمینار آموزش زبان مادری که از جانب بخش آموزش و پرورش شهر مالموی سویدن  
تدارک شده بود .  
سهم فعال ارزنده و پر درخشش در کار کنفرانس جهانی بیدل دهلوی که در کشور ایران در نوامبر  
سال 2006 از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران تدارک شده بود .»

و همچنان در وابسته گی با نایل آمدن کاندیدای اکادمسین داکتر اسد الله حبیب، به یک سلسله جوایز و  
القاب علمی داکتر حمید مفید چنین ادامه داد:

« در سال 1956 جایزه نخست داستانهایی کوتاه در میان نویسندگان جوان افغانستان .  
در سال 1958 جایزه اول نگارش داستان کوتاه  
در سال 1982 جایزه ادبی - تحقیقی پیر روشن .  
در سال 1986 لقب علمی کاندیدای اکادمیسین  
در سال 1989 جایزه بیهقی ، جایزه اول اتحادیه نویسندگان افغانستان.»

سپس داکتر احمد لقا نجم ، صاحب امتیاز مجله کلمه، دانشمند و ستاره شناس زبردست کشور صحبت  
همه جانبه و در خور توجه را در رابطه با پژوهشهای چشمگیر ادبی و علمی استاد انجام داد.

محترم دستگیر نایل، داستان نویس، مقاله نگار و شاعر که از کشور هالند تشریف آورده بود، سخنان  
در خور اهمیت در مورد قصه نویسی و داستان پردازی استاد بر لب رانده و از خاطرات گره خورده  
خودش با این شخصیت و انگاره تعریف کرد.

**محترم نجیب برید**، مدیر مسئول مجله پرستو ها، که از کشور دنمارک تشریف آورده بود، یک تن دگر از صحبت کننده گان بود. او زیر نام " در کوچه باغ های شعر حبیب "، گام در راه این دنیای تصویر پردازیها و نازک خیالیها زده، اشاره به سوی یکی از توانمندیهای برجسته استاد نمود.

**محترم وهاب فایز**، نام آشنا برای بیدل دوستان و سخن دوستان که با حلقه بیدل دوستان و بیدل خوانان همچنان از کشور هالند کوله بار سفر را بر پشت نهاده و راهی دیار " هامبورگیها " گشته بود، در رابطه با بیدل شناسی و کار کرد های داکتر اسد الله حبیب در زمینه پژوهش حال و آثار بیدل سخنانی چند بر لب راند. او از دیدار که در سال جاری با استاد در همایش بزرگی در کشور هالند داشت، سخن زد و مخمس سروده خودش را بر این غزل استاد:

گفتند، روزگار دگر میشود، نشد  
شام غریب نیز سحر میشود، نشد

بر خواند که با استقبال گرم حاضران رو به رو گردید.

**محترم عبدالوکیل کوچی**، شاعر و شخصیت فرهنگی، در ضمن که پیام شاد باش عنوانی داکتر اسد الله حبیب را به خوانش گرفت، شعری را که به استقبال از آن شب سروده بود، بر خواند که مورد توجه اشتراک کننده گان قرار گرفت.

**محترم قامت عطا زای**، پیشکش کننده تار نمای وزین روزنه و یک تن از خدمتگزاران باغستان فرهنگ ما به تعریف خاطراتش در وابسته گی با آشنایی او با اشعار بیدل و شخصیت و اشعار داکتر اسدالله حبیب پرداخت.

**محترم هارون یوسفی**، طنز نویس، ژورنالیست و متصدی برنامه های ستودیوی شماره هفت از لندن تشریف آورده بود که سرگذشت دوستی پیشینه اش را با استاد به سبک و شیوه خودش تعریف کرد.

### بر خوانی پیامها عنوانی داکتر اسدالله حبیب

در این بخش پیامهای شاد باش به ترتیب توسط ماریا اختری، انانسر همایش به خوانش گرفته شد:

پیام **محترم داکتر اکرم عثمان**، داستان نویس و اندیشمند سرشناس کشور؛  
پیام **محترم ببرک وسا**، موسیقیدان چیره دست و چهره درخشان که هم اکنون رهبری یا درپژوری آرکستر بزرگی را در جنوب آلمان به عهده دارد؛  
پیام **محترم رحیم الله جرمی**، فرهنگی و مدیر مسئول مجله روزگار، که به دو زبان دری و نارویجی در ناروه به چاپ میرسد؛  
پیام **احمد شاه قادری**، موسس انسامبل جوانان افغان در هامبورگ؛

پیامهای دیگر نظر به ذیقی وقت به خوانش گرفته نشدند.

## دکلمه اشعار داکتر اسدالله حبیب

و اما، آن شب خاطره برانگیز زمانی در اوج نازک خیالی و سخن پردازی رسید که سخن از شعر و شعر خوانی بالا شد. میز مدوری ترتیب داده شد و نوبت رسید به دکلمه اشعار دلپذیر شاعر وارسته، داکتر اسدالله حبیب:

دختر شب گیسوان زر افشانش را رها کرد؛ آن چنان که عطرش به جانهای فرزانه دلان و عاشقان رسید.

تالار سراپا هوش شد و گوش؛ اشعار دل افروز استاد نای گشت و بر لبان دکلماتوران "قیامت نغمه یی" بر پا کرد. اشعار سپید میهنی و غزل های ناب استاد چنین آغاز گشتند:

### عزیز الله علی زاده

بهاران و درختان دیار ما ز هم دور اند  
چه دانستم که روزی کوه  
چنان تندیس بودا  
- لب ز و عظم افتاب گرم خواهد بست ...

### اسدالله محبی

«بشنو از نی چون کایت میکند  
وز جدایی ها شکایت میکند»  
من نیم نالان شده در دشت کر  
در جهان ناله های بی اثر...

### زرلشت حبیب

در غروب تشنه و خونین دشت  
بته خاری را پریشان دیده ای؟  
مرغ تنها مانده ای بی سر پناه  
شامگاهی زیر باران دیده ای؟...

### نیلاب سلام

نگاه میکند امشب چه آهوانه به سویم  
فتاد لرزه به دستم، پرید می به گلویم  
ز اضطراب من او خنده ها کند که نداند  
من از زمان ازل عاشق نگاه نکویم...

### عظای قامت

وطنم قصه غمگینی است  
بر همه بادیه و جنگل و دشت  
که نوشتن نتوان...



## زرلشت حبیب

درین زمان ز مروت نشان نخواهی یافت  
چو گوهریست که در هر دکان نخواهی یافت  
زبان عشق یکی و زان جنگ هزار  
برای قصه ای دل ترجمان نخواهی یافت

## نیلاب سلام

بشر مباد که پایش به آسمان برسد  
بشر مباد به سایر ستارگان برسد  
یکی ستاره ز دستش شدست برکه خون  
چه ها کشند که پایش به دیگران برسد...

همین که دیوان خوانش اشعار به پایان رسید، کف زدن های پی در پی حاضران یکبار دگر مهربانی را به دستان نازک دختر شب سپرد.

ثریا حبیب، خانم استاد، هنوز در اوج مهمان نوازی بود. بهرام حبیب، پسر استاد، به همه سر میزد. او در همه جا بود و هر کس پرسشی داشت، به وی مراجعه میکرد. چهره زیبای مریم حبیب، دختر استاد، غرق غرور از آن همه ستایش و تجلیل از پدر گرامیش گشته بود.

## پرداخت به موسیقی

پس از صرف غذای شب و رد و بدل گفته های تازه و پیشینه میان دوستان تازه و دیرینه، غذای روح راهش را در دل شب باز کرد:

ماه جهان افروز من از من چرا رنجیده ای؟  
همچون شقایقها مرا از دشت غم ها چیده ای

**فواد پوپل**، آواز خوان خوش آواز و با ذوق این غزل استاد را با زیبایی خاص در جامه آهنگ خواند و مهمانان هریک "شقایق" دلهای شان را "از دشت غم چیدند".



سپس **فصیح الله**، آواز خوان پرکار و خوب آهنگهای زیبایی را به اجرا در آورد که با کف زدنها بدرقه گردید.

**برهان**، یکی دگر از چهره های جوان و با استعداد در دریای موسیقی بود که با احساس خاص آهنگ های چند را تقدیم هنر دوستان نمود.

**فرشته سما** آوازخوان جوان و خوب، غزل پر شوری استاد :  
در بزم آمد از چمن، با عطر سرد یاسمن از حرف خوش شکرشکن ، سویش نگاه مرد وزن  
را تصنیف ساخته و اجرا کرد که با استقبال گرم مواجه گردید.



۱

و در این جا رشته سخن و موسیقی به دست هنرمند زبردست و شاعر همیشه عاشق  
داکتر اسد بدیع، رسید.

**اسد بدیع** سخنش را با شعری از خودش آغاز کرد و تحسین اشتراک کننده گان را بر انگیخت. او  
سخنانی چند به رسم ادای احترام و محبت در پیشگاه داکتر اسد الله حبیب زده و به زمزمه آهنگ  
« دلم امشب هوای یار کرده، ویرانم...» پرداخت. آهنگهای وی با کف زدن های آتشین علاقمندان  
آواز و هنرش بدرقه گردید.





و در اخیر شاعر دل ها، **کاندیدای اکادمسین داکتر اسد الله حبیب**، با صحبت پر بارش که با مناجات خواجه عبدالله انصاری، پیر هرات گشایش یافت، ( چکیده سخنان ارزشمند استاد گران ارج را که حین صحبت استاد یادداشت نموده ام، در این جا می آورم. بیگمان خالی از لغزش نیست که از آن بابت پوزش میخوام) دست اندرکاران این همایش را چنین نواخت:

« الهی، نه ظالمی که گویم زینهار و نه مرا به تو حقی که گویم بیار چون اول برداشتی، آخر فرو مگذار. مهمان تو ام، چنانکه خواهی میدار.

امشب و درچنین شبها ، نه از شخص بزرگداشت به عمل می آید، بلکه از کلام و از قلم تجلیل به عمل می آید.

در انجیل آمده است که : « اول کلمه بود و کلمه نزد خدا بود ....»  
 خداوند جان و خرد درقرآن کریم گفته است : نون والقلم وما یسطرون ونیز علم بالقلم علم الانسان مالم یعلم .

آن چه ماندگار است ، چکیده اندیشه ها وخامه هاست .  
 چه بزرگ مردان عرصه فرهنگ که رفتند و صدای شان را می شنویم ، چون رشحه قلم شان ، به قول بیدل :

صداییست پیچیده درکاینات  
 که پرکرده ازخویش ظرف جهات  
 فروغ خوب گفته بود:  
 « پرواز را به خاطر بسپار  
 پرنده مردنیست» و

«تنها صداست، که میماند»، نگاره احساسها و واکنش تپش قلبها میماند.  
 مسرت من امشب به خاطر آن است که جمعی ازاندیشه ورزان وخامه وران در این جا جمع شده اند که عشق شان را به فرهنگ نشان دهند .  
 چنین اقدامی ستایش سزاوار است . ما ملت با تاریخ هزاران ساله وادبیاتی چنان پربرابر وکهن زمانی سزاوار چنین اقدامی استیم .

من باور پیدا میکنم که هنوز دست ما از دامن سنایی ها، مولانا ها، فردوسی ها جدا نشده است. ما در بوستان هستیم. ما در گلستان هستیم. ما از حدیقه برنیامده ایم و با همه درد وداغ هجرت ، از شعر، ادب و معنویت جدانشده ایم.

این قایق زرین را شخص بسیار جوان به آب انداخت. دیگران پارویش زدند. اندیشه و فکر چنین همایشی از جانب یک جوان فرهنگی، شاگرد من، اهل ذوق، ادبیات و قلم، **وحید واعظ زاده**، در میان جمعیت سرایت داده شد. از او سپاسگزارم.

دوستم، شاعر، آوازخوان و کمپوزیتور و بالاتر از همه طبیب و درمانگر درد های جسمی و روحی، **داکتر اسد بدیع** از سویس، شب ها و روز ها زحمت کشید و برنامه را سر تا پا ترتیب داد. بیوگرافی تصویری به ابتکار او به روی پرده آمد. تمام ترتیب و تنظیم را او به دوش داشته است. دوست بسیار عزیزم **داکتر حمید مفید**، مدیر مسنول مجله کلمه زیاد زحمت کشید و کار کرد. **نیلاب سلام**، شاگردم، روز ها قطره قطره عروض، بدیع، بیان، کنایه، مجاز و مرسل یاد گرفت. اشعار بیدل را نزدم خواند و یاد گرفت؛ دکلماتور بسیار خوب، شانه داد و این قایق را به پیش برد. من سپاسگزارم از حضور **پروفسور احمد لقا نجم**، دانشمند، پژوهشگر، ستاره شناس بسیار خوب، صاحب امتیاز مجله کلمه.

سپاسگزار هستم از حضور نامداران، **آقای دستگیر نایل**، داستان نویس و شاعر که با دوستان از راه دور از هالند تشریف آوردند و مایه قوت قلبم گشتند.

حضور دوستان، **وهاب فایز** از هالند با حلقه ای مریدان ابوالمعانی بیدل و **نجیب برید** با فرهنگیان مقیم هالند مایه ای سر افزاری من بوده است.

از **زرلشت حبیب** سپاسگزارم به خاطر دکلمه ای زیبایی شعر.

از **هارون یوسفی** که از لندن تشریف آورد، سپاسگزارم.

در عرصه ای موسیقی، دوستان، هر کدام سهم گرفتند و محبت کردند: **فواد پوپل**، **فصیح الله**، **خاتم فرشته** شاگرد مکتب بیدل، مردی مانند **برهان** که هم در نواختن طبله و هم در آواز خوانی سهم خوب گرفت.

**فواد طاهری**، با نواختن زیبایی ویلون، به آهنگ ها احساس بیشتر بخشید.

سی دی های که در میز ها توضیح شدند، محصول زحمات **آقای عطا زای قامت** بود.

**رفیع قادری** و **همکارانش** در بخش کمره و فیلم همکاری کردند و دگر دوستانی که زحمت کشیدند، از هر کدام سپاسگزارم.

اما کی میتوانست، همایش را با متانت، فصاحت و بلاغت **ماریا اختری**، پیش ببرد؛ مایه سر افزاری برای همه ما و شما گشت که ازش سپاسگزارم.

از خانم و فرزندانم به خاطر مهربانی های شان سپاسگزارم.

و از شما، همه شما فرهنگیان مهمان یا مهمانان فرهنگی که امشب، این سالون را با حضور خویش چراغان ساختید سپاسگزارم ...»

در پایان همدلان عکسهای یادگاری با داکتر اسد الله حبیب، گرفتند. همایش ساعت سه شب، در حالی که مهمانان، هر کدام بار دیگر دست استاد را به گرمی میفشردند و احساس خوشنودی شان را در رابطه با جریان همایش ابراز میداشتند، به پایان رسید.

دختر شب، گیسوانش را بست و دامن رنگین ابریشمینش را " شکست ". دفتر چه نگاه آن شبینش را بست و همچون نسیم سبک بال راهی دیارش گشت. و اما، عطر بدنش آن چنان همه را مدحوش ساخته بود: هنوز که هنوز است، تا یادی از آن شب زنده میگردد، از همه جا بوی مشک و عنبر می آید.

## پی نوشت

عزیزان که مایل به آشنایی با مندرجات آثار، شگرد ها و ترجمه های کاندیدای اکادمسین، داکتر اسد الله حبیب باشند، میتوانند، در این جا آنها را به خوانش گیرند. این بر شماری ها از نبشته داکتر حمید الله مفید که در شب همایش ایراد گردید، بر گرفته شده است.

کتابهای پژوهشی ادبی و تاریخی :

- 1\_ بیدل\_ شاعرزمانه ها ، نشر دانشگاه کابل ، 1985
- 2\_ راه گورکی در زندگی و هنر ، کابل ، 1364 ( 1985 م )
- 3\_ ادبیات دری در نیمه نخستین سده بیستم ، دانشگاه کابل ، 1987 و چاپ دوم ، پشاور ، 1381 ( 2002 م )
- 4\_ دیدار با سپیده ، مجموعه مقاله های پژوهشی درباره ادبیات و هنر ، نشر بیهقی ، کابل ،
- 5\_ ویژگیهای داستانی شاهنامه ، نشر بیهقی ، کابل ، 1989
- 6\_ بیدل و چهار عنصر ، نشر وزارت تحصیلات عالی افغانستان ، کابل ، 1989
- 7\_ دوره امانی ، پژوهشی در وضع فرهنگی اجتماعی زمان امیر امان الله ، نشر اکادمی علوم افغانستان ، کابل ، 1990 م
- 8\_ دستور زبان دری ، ویانا ، 2004 ، چاپ دوم ، کابل ، زمستان 1383
- 9\_ واژه نامه شعر بیدل ، هامبورگ ، 2005

مقاله ها :

- 1\_ تذکره و تذکره نویسان زبان فارسی ، مجله عرفان ، کابل ، 1342 ( 1963 م )
- 2\_ بیدل شناسی در اتحاد شوروی ، مجله ادب ( نشریه دانشکده ادبیات ) ، کابل ، 1352 ( 1973 م ) که در « سی مقاله درباره بیدل » ، کابل ، 1365 نیز به چاپ رسید .
- 3\_ زیست نامه بیدل از لاپلای چهار عنصر ، مجله خراسان ( نشریه اکادمی علوم ) ، 1360 ، چاپ دوباره در « سی مقاله درباره بیدل » گردآورده پاک فر ، کابل ، 1365 ( 1986 م )
- 4\_ جنگنامه سرایی در ادبیات دری ، مجله خراسان ، کابل ، 1361 ( 1982 م )
- 5\_ درباره نکات و اشارات و حکایات بیدل ، مجله « خلقهای آسیا و آفریقا » ، مسکو ، 1973 ( به زبان روسی )
- 6\_ ادبیات معاصر دری ، سالنامه ، کابل ، 1360 ( 1981 م )
- 7\_ درباره ادبیات معاصر دری\_ نظریات و پیشنهاد ها ، ادب ، کابل ، 1355\_56 ( 1976\_77 م )
- 8\_ بیدلی که من می شناسم ، روزنامه انیس ، 1356 ( 1977 م )
- 9\_ تأثیر افکار سید جمال الدین افغانی بر ادبیات معاصر دری ، مجله عرفان ، 1356 ( 1977 م )
- 10\_ واکنشهای عاطفی فردوسی در شاهنامه ، مجله « حجت » ، شماره 5 سال 2 ، 1370 ( 1991 م ) ، کابل
- 11\_ درباره معنای چند بیت ابوالمعانی بیدل ، مجله « حجت » ، شماره 8 ، سال 2 ، 1370 ( 1991 م ) ، کابل
- 12\_ تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی در قصاید ناصر خسرو ، مجله « حجت » ، کابل ، 1370 ( 1991 م )
- 13- مولانا جلال الدین محمد و واژه « خاموش » ، مجله « پدیده » ،
- 14\_ ارمغان بیدل از سفر کوهستان بیرات ( سیری در طور معرفت ) ، نشریه « کلمه » شماره های 3 و 4 سال یکم ، 1381 ( جون و اگست 2002 )
- 15\_ سکنه یا دی اتوماتایزیشن در شعر بیدل ، مجله پدیده ، شماره 7 سال 2 ، دسمبر 2004 لندن
- 16\_ شعر بیدل ، زبان گفتار و فرهنگ مردم ، وبسایت « فردا » ، سال 2005
- و چون پیشگفتاری در کتاب واژه نامه شعر بیدل ، هامبورگ ، 2005
- 17\_ عبدالقادر بیدل ، در قلمرو تیوری ادبیات و نقد ادبی ، وبسایت « فردا » همان سال .
- 18\_ Il mondo e il suo Creatore di Asadullah Habib  
I concetti chiave Il canzoniere dell' alba di Asadullah Habib e Riccardo Zipoli

در کتاب ترجمه پنجاه غزل میرزا عبدالقادر بیدل به زبان ایتالیایی ، میلان ، 1997

ترجمه ها از انگلیسی و روسی :

- 1\_ مقاله تحقیقی ( شیوه تحقیق و نوشتن مقاله های معیاری علمی ) با اشتراک استاد نکهت سعیدی ، مجله « عرفان » ، کابل ، 48\_1347 ( 1968\_69 م )
  - 2\_ مقدمه بر داستان کوتاه ، ( با اشتراک استاد نکهت سعیدی ) ، مجله « ادب » ، کابل ، 48\_1347 ( 1968\_69 م )
  - 3\_ انواع نگارش ، مجله « عرفان » ، کابل ، 1360 ( 1981 م )
- ترجمه ها از روسی :
- 1\_ تاریخ احمد شاهی و مولف آن ، نوشته سید مرادوف ، مجله « آریانا » ، کابل ، 54\_1353 ( 1974\_75 م )
  - 2\_ تاریخ مسعودی و مولف آن ، مجله « آریانا » ، کابل ، 55\_1354 ( 1975\_76 م )
  - 3\_ لیوتولستوی آیینة انقلاب روس ، کابل 1362 ( 1983 م )

رمانهای کوتاه و مجموعه های داستان کوتاه :

- 1\_ سپیداندام ( رمان کوتاه ) ، کابل ، 1344 ( 1965 م )
- 2\_ سه مزدور ، گزیده 10 داستان کوتاه ، کابل ، 1967 و چاپ دوم ، کابل 1988
- 3\_ داسها و دستها ( رمان کوتاه ) ، بیهقی ، کابل ، 1984
- 4\_ آخرین آرزو ، گزیده 13 داستان کوتاه و یک نمایشنامه و یک فلم نامه ، انجمن نویسندگان افغانستان ، کابل ، 1364 ( 1986 م )
- 5\_ نظرگل ( داستان میانه یا رمان کوتاه ) ، کابل ، 1987

نمایشنامه ها :

- 1\_ شب و شلاق ، در سال 1979 با دایرکت حمید جلیا برسن کابل تیاتر به نمایش گذاشته شد .
- 2\_ خشم خلق ، در سال 1358 ( 1980 ) با دایرکت حمید جلیا برسن کابل تیاتر نمایش داده شد . و در همان سال در مجله « ژوندون » انتشار یافت و سپس در مجموعه داستانهای « آخرین آرزو » به چاپ رسید .

دفترهای شعری :

- 1\_ خط سرخ ، کابل 1362 ( 1984 م )
- 2\_ وداع با تاریکی ، کابل 1364 ( 1987 )
- 3\_ آتش در نارنجزار ، کولن ، 2001

جوایز و القاب علمی و عضویت در مجامع علمی

- 1\_ 1956 جایزه اول داستان کوتاه نویسی ، برگزار شده از جانب روزنامه انیس ، بانگارش داستان کوتاه آفتاب گرفتگی .
- 2\_ 1982 جایزه اول داستان کوتاه نویسی در کشور .
- 3\_ 1986 جایزه « پیرروشان » برای بهترین کتاب پژوهشی سال .
- 4\_ 1986 دریافت لقب کاندیدای اکادمیسین اکادمی علوم افغانستان .
- 5\_ 1989 جایزه « بیهقی » برای خدمت چند بعدی به فرهنگ : تدریس ادبیات ، پژوهشهای ادبی ، ترجمه از انگلیسی و روسی ، داستان نویسی و سرایش شعر .
- 6\_ 1997 شمول به عضویت مجمع ایرانشناسان اروپا .

ترجمه آثار به زبانهای دیگر

- 1\_ آیدن \_ مجموعه داستانهای کوتاه ، بزبان روسی ، مسکو 1972
- 2\_ آیدن \_ ترجمه اوزبیک ، نشرات غفور غلام ، تاشکند ، 1982

- 3\_ پایان غم بزرگ \_ مجموعه داستانهای کوتاه و دودرامه ( خشم خلق و شب و شلاق ) به روسی ، مسکو 1986
- 4\_ وداع با تاریکی \_ مجموعه شعرها به زبان بلغاریایی ، صوفیه ، 1986
- 5\_ دو داستان در کتاب افغانستان ، سلسله « داستان سرایان معاصرجهان » به زبان آلمانی ، توپینگن ، بازل  
1979
- «Afghanistan , Moderne Erzähler der Welt , Tübingen, Basel,1979**